نظریه بوم شناسانه به معماری زیستگاه‌ها

حسن ذوالفقارزاده*/ پدرام حصاری**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۲۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۲۸

چکیده

یکی از مسائل مهم زیستگاه‌های جوامع انسانی که از اهمیت خاصی نیز برخوردار می‌باشد، نگرش به مسائل بومی و بوم آورد آن سرزمین است. بدون در نظر گرفتن کم و کیف مسایل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اقلیمی هر بوم و سرزمینی، برنامه‌ریزی برای آن مکان را با چالشهای غیر قابل حل، روبه‌رو خواهد کرد. لذا برای هر نوع برنامه‌ریزی کوتاه مدت یا بلند مدت استراتژیک برای بوم‌های متنوع، باید از جایی آغاز نمود. مختصات زیستی و توانایی‌های بالقوه و بالفعل اجتماعی و طبیعی هر منطقه از اولویت های مطالعه و بررسی هر بوم است. شناخت سنت، بوم و تمایزات، اشتراکات معنایی و کارکردی این دو می‌تواند پیش زمینه‌ای قوی در این باره ایجاد نماید.

به‌کارگیری فنون علمی با توجه به قابلیت سنجی از مورد زمینه می‌تواند نمونه‌ای خاص از هنجارها را متناسب با کارکرد مبنایی به وجود آورد. در خصوص معماری با در نظرگیری سرزمین (بوم)، در زمانی که خواستگاه‌های استفاده کنندگان اعم از فرهنگ و خُلق و خوها را هم تراز نماید و همین طور بر عکس با نگاه به این که در هر زمان نگاه به گذشته سنتی را القا می‌نماید و این که امروز نیز گذشته‌ای از فردا خواهد بود و در سرزمین الگو خواهد شد تلفیقی به‌وجود می‌آید که معماری با هویت گویند. در نتیجه بوم از سنت زاییده می شود و سنت از بوم، هر زمان در کنار هم عمل می‌کنند تنها ظهور یکی سریع تر از دیگری است در این صورت است که معماری بومی و سنتی خوانده می‌شوند.

این پژوهش که با مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل مبنایی انجام شده است، سعی دارد سیر تکاملی معماری از سنت به بوم و همچنین از بوم به سنت را بررسی نماید و در آخر نشان می‌دهد که بوم زاده سنت است و سنت زاییده بوم، این دو در کنار هم و با توجه به زمان، معماری بومی و معماری سنتی را به‌وجود می‌آورند. امید است که این پژوهش بتواند در راستای شناسایی عوامل شناختی معماری بومی و معماری سنتی گامی پیش نهاده و تشابهات و تناقضات احتمالی را رفع نماید و با حل این مسائل به ایجاد معماری با هویت و هماهنگ با جامعه‌ای کمک به‌سزائی بنماید.

واژگان کلیدی: بوم، سنت، معماری بوی، معماری سنتی، زمان، فرهنگ.

* دکترای معماری، عضو هیئت علمی (استادیار) دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
** دانشجوی دکترای معماری، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. Pedram_hesari2012@yahoo.com

مقدمه

با فراگیر شدن انواع سبک‌ها و ایده‌ها در معماری جوامع و حتی هنجارهای جامعه آنچه در کنکاوها به چشم می‌آید، نبود هویتی غالب در عرصه ظهور است. آنچه دیده می‌شود تقلیدی صرف به امید هنجاری جدید و جایگزین است در حالی که در جوامع اگر هنجار سازی‌ها با توجه به بوم و سنت هر منطقه باشد و مشخصه‌های تکنولوژی که تلاش می‌کند خصیصه‌های محلی را در خود حل کرده و تنها فرهنگ تکنولوژی را واجد اعتبار نشان دهد، تسری این مشخصه در معماری که فعالیتی برخاسته از محیط و منطبق با فرهنگ می‌باشد امری بحرانی و دارای اهمیت راهبردی است (مهدوی پور و جعفری، ۱۳۹۱: ۱۸) و ایده معماری مدرن، که با پیروی کارکردی، عملاً عقب نشینی مواضع خود را از سنت اعلام نمود و رواج بی چون و چرای این مکتب در تمامی عرصه‌های زندگی، تفکر متناسب با زمان را از میان برده است. بوم با گستره‌ای وسیع از نیازمندی‌های طبیعی به طبیعت، هر خلق و خو (سنت) و اقلیمی را شامل می‌گردد که نوگرایی بر این اساس را بشارت می‌دهد. برای پیگیری مناسب معماری و حتی هنجارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باید در راستای شناخت بوم و سنت، این دو عنصر مهم و لازم حرکت نمود و می‌توان در عین مدرن شدن و تکنولوژیک بودن ممتاز و با هویت بود.

با فرض این که بوم، جامعه و سنت به‌عنوان مؤلفه‌های مبنایی در شناخت معماری تجلی پیدا می‌کند و به‌صورت عناصر هویت بخش و تعریف کننده‌گاه خواستگاه و پیش نیازی برای هم، برای به‌وجود آوردن نوعی خاص از معماری هستند، مسیرهای تعریف آن‌ها مشخص می‌گردد.

این پژوهش که با مطالعات کتابخانه‌ای با به‌کارگیری متون اعم از مقالات و کتب، جمع‌آوری گشته است سعی دارد با آشنایی پله پله با مفاهیم بوم و سنت، به‌کارگیری این عناوین را به‌صورت معنایی و شفاهی در هنجارهای جامعه و خصوصاً معماری روشن سازد تا پیش زمینه‌ای مفهومی به‌منظور ایجاد هنجارهای با هویت در متون رفتاری و عملکردی خصوصاً معماری باشد، امید است که این پژوهش بتواند تمایزات و قابلیت های هر واژه را به وضوح روشن سازد.

در این پژوهش قصد بر آن است که با پاسخ گویی به مطالب زیر به اهداف پژوهش دست یافت.

- آیا معماری بومی با معماری سنتی یکی است؟
- آیا معماری سنتی پیش نیاز برای به‌وجود آمدن معماری بومی است یا بالعکس؟
- چگونه می‌توان معماری بومی در راستای سنت و یا بالعکس را تولید نمود؟

مبانی نظری

معنای بوم در فرهنگ فارسی معین چنین آمده است: سرزمین، ناحیه، زمین شیار نکرده جا، مقام، سرشت، طبیعت، پارچه قاب گرفته‌ای که روی آن نقاشی کنند، زمینهٔ پارچهٔ زردوزی شده (فرهنگ معین).

بوم در فرهنگ به معنی سرشت و طبیعت و خوی نیز گفته شده است، مستند به شعر سعدی: مصراع «شنیدم که مردیست پاکیزه بوم» و در این تأمل است. پاکیزه بوم؛ یعنی از خاک پاک و خوش سرشت چنانکه شیخ سعدی گفته :

شنیدم که مردیست پاکیزه بوم
شناسا و رهبر در اقصای روم

در اوستا بوم واژه‌ای اوستایی به معنی سرزمین، سرشت و نیز کره زمین است چنان که ناصر خسرو می‌گوید:

در این بام گردان و این بوم ساکن

به بین صنعت و حکمت غیب دان را

بوم نام پرنده‌ای از شکاریان شب پرواز است که او را جغد و بوف هم گفته‌اند و نیز زمین زراعتی و زمین شیار نکرده را هم خوانده‌اند و برخی دیگر آن را قلعه، حصار و مرز هم گویند (هراتی، ۱۳۸۱: ۳۳).

سانسکریت «بهومی»، پارسی باستان «بوم »، پهلوی «بوم »، به معنی سرزمین آمده است.

– در اصطلاح بنایان، گچ بوم، گچِ نه شل و نه سفت سفت (لغت نامه دهخدا).

بعد از شناخت لغوی، به مبحث کلی‌ترین عوامل اصلی و طبیعی هر بوم پرداخته می‌شود که آن‌را می‌توان در سه دسته تقسیم بندی کرد:

۱. عوامل انسانی
۲. عوامل اقلیمی
۳. عوامل امکانات مادی.

با توجه به این سه عامل بالقوه و بالفعل هر بومی، تمدن آن بوم شکل می‌گیرد.

۱ . عوامل انسانی با توجه به فرهنگ و اعتقادات هر بومی به‌عنوان نیروی محرکه آن سرزمین عمل می‌کند و نیازهای اعتقادی در کیفیت کالبد معماری آن تجلی پیدا می‌کند.

۲ . عوامل اقلیمی هر سرزمین، از عوامل تعیین کننده در جهت گیری و کیفیت معماری بناهای آن بوم را مشخص می‌کند.

۳ . امکانات مادی یا مواد و مصالح طبیعی هر سرزمینی، نوع ساختمایه هر بوم و کیفیت به‌کارگیری مواد و مصالح در آن سرزمین را تعیین می‌کند.

ارزش بوم شناسی در جامعه به قدرت و دقت او در روشنگری ذهن و پیش بینی پیامدها است. (وهابزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۰) .در سراسر جهان بوم‌ها و سرزمین‌های کاملاً متغایر و متفاوت از هم وجود دارد که دارای انسان‌ها و جوامعی مختلف و با زبان و فرهنگ‌های گوناگون در آن‌ها زندگی می‌کنند، سرزمین‌های متفاوتی نیز از نظر اقلیم و آب و هوایی و پستی و بلندی‌های کاملاً مغایر از هم مشاهده می‌شود. تأثیر نسبی آب و هوا نیز بر روی جوامع قابل تأمل است، مثلاً مناطق گرم و گرمسیری با مردمان خونگرم همراه است و سرزمین‌های معتدل و مرطوب آمیخته با مردمانی معتدل می‌باشند و در عین حال به‌عنوان اصل حاکم نمی‌توان آن‌را امری ثابت و جبری قلمداد کرد.

انواع بوم‌ها را می‌توان براساس تقدس دسته بندی نمود، سرزمین‌های مقدس مثل مکه، مدینه، قدس، نجف، کربلا، کاظمین،سامرا، قم، مشهد و ... می‌توان نام برد.

سرزمین‌ها را می‌توان براساس زبان و نژاد تقسیم بندی نمود، مثل سرزمین‌های عرب زبان و ترک زبان و کُرد و لُر و فارس و ...

انواع مناطق را می‌توان براساس اقلیم و آب و هوا گروه‌بندی کرد، مثل منطقه گرم و خشک، یا گرم و مرطوب، یا سرد و خشک، یا معتدل و مرطوب و ....

انواع سرزمین‌ها را می‌توان براساس دین و اعتقادات دسته بندی نمود، مثل سرزمین‌های مسلمان نشین، مسیحی نشین، یهودی نشین و ....

از آنجا که معماری با پدیده‌های انسانی سر و کار دارد، با نحوه‌ای که مردم زندگی می‌کنند و جهان را دریافت می‌کنند شکل داده شده است (یو، ۱۳۸۲). معماران ایرانی بر این باورند که ساختمایه باید " بوم آورد " یا " ایدری " (اینجایی) باشد و به عبارتی " خودبسنده باشد" و لذا ساختمان با طبیعت پیرامون خود " سازوارتر " در می‌آمده است و هنگام مرمت آن نیز همیشه ساختمایه آن در دسترس بود (پیرنیا ، ۱۳۸۰ : ۳۱).

این نوع معماری به سرزمین و ناحیه‌ای خاص تعلق دارد. واژه بوم، بار مکانی دارد و محدوده مشخص شده‌ای از مکان را که دارای مرزی معین است، شامل می‌شود. دیگر واژه نزدیک به آن، محل و محلی هم همین بار مکانی را دارد. این واژه نیز محدوده خاصی از مکان را در بر می گیرد که دارای شرایط محیطی و اقلیمی به خصوصی است (صادق پی، ۱۳۸۹: ۱۰). الگوی بوم شناختی در سرتاسر تاریخ معماری وجود داشته است. مردم پیش از ظهور انقلاب صنعتی و الگوی دکارتی، رابطه‌ای کل نگرانه و معنوی با طبیعت داشتند و این رابطه از طریق محیط‌های معمارانه همساز با طبیعت بازتاب داده می‌شد. جهان بینی که پایه فرهنگ مدرن برآن استوار است، در مراحل اولیه دوره رنسانس به‌وجود آمد. پیش از این دگرگونی، جهان بینی کل نگرانه، ارگانیک و بوم شناختی بود. مردم زندگی شان را در اجتماعات کوچک می‌گذراندند و با طبیعت رابطه‌ای کل نگرانه و معنوی داشتند، در آن زمان ماهیت علم کاملاً متفاوت با ماهیت علم مدرن بود. هدف اصلی به‌جای استفاده از پیش‌بینی و مهار اشیاء، درک معنای وجودی آن‌ها بود. مفهوم هویت در معماری پیش از مدرن به تبع روزگار آن به شکل امروزی مطرح نشده بود. تأکید معماری گذشته بر کرامت انسان بود و معماری کارایی، پایایی و زیبایی را برای تکریم مقام انسان می خواست. این دو الگو ایده بوم شناختی معماری پیش از مدرن را باز می‌نمایاند:

- ایجاد محیط‌هایی که بناست به‌عنوان بخشی از نظام زیست کار کنند.
- طیف وسیعی از ایده‌های بوم شناختی را پوشش می‌دهد که به فرایند طراحی و تفکر نفوذ می‌کنند. ویژگی مشترک این دو گروه این است که آن‌ها بخشی از ویژگی‌های نظام زیست یا کل آن ویژگی‌ها را دنبال می‌کنند. کیمیاگری جدید نوعی خاص از این گرایش است که با درآمیختن زیست فن آوری و معماری، خرد اکوسیستم کوچکی را در محیطهای معمارانه مطرح می‌کند که دارای نه اصل است:
- طرح باید از قوانین زندگی پیروی کند، نه این که با آن‌ها مقابله کند؛
- عدالت زیست شناختی باید طرح را تعیین کند؛
- طرح باید زیست منطقه ای بودن را مطرح کند؛
- پروژه‌ها باید بر مبنای منابع تجدید پذیر انرژی باشند؛
- طرح باید از طریق تلفیق نظام‌های زنده پایدار باشد؛
- طرح باید هم تکاملی با جهان بینی داشته باشد؛
- ساختمان و طراحی باید به بهبود بخشیدن کره زمین کمک کنند؛
- طرح باید از بوم شناسی جدی پیروی کند (یو، ۱۳۸٤: نمایه کتابخانه آستان قدس).

بوم شناسی را به‌طور کلی می‌توان به‌عنوان کنش متقابل موجودات زنده و محیط زیست آن‌ها تعریف کرد. محیطی که سایر موجودات را نیز شامل می‌شود. (وهابزاده، ۱۳۸۱: ۱۱٤)

شناخت اجتماعی هر بومی که به‌عنوان مغیر اصلی آن بوم به‌شمار می‌رود با بررسی در سه عامل اصلی یعنی فرهنگ سیاست و اقتصاد قابل شناسایی است، این سه عامل فرهنگ بومی، سیاست بومی و اقتصاد بومی را شکل می‌دهند.

فرهنگ بومی

«فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است: «فر» پیشوند و به معنی جلو، بالا، بر و پیش آمده است («فر» علاوه بر پیشوند، اسم نیز هست و به

معنی شکوه و درخشندگی و بزرگی در ادبیات به‌کار رفته)، «هنگ» از ریشه اوستایی «تنگا» (Thanga) و به معنی کشیدن و سنگینی و وزن می‌باشد. این واژه مرکب از نظر لغوی به معنی بالا کشیدن، برکشیدن و بیرون کشیدن است.

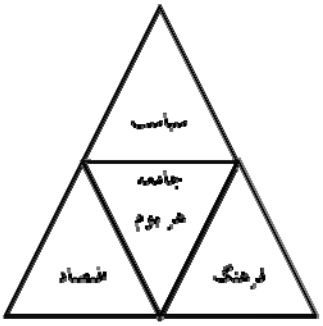

ن ۱ . هرم اجتماعی هر بوم.

از جمله این مفاهیم، دانش و حرفه و علم است یا به معنی دانش و هنر و در کتاب لغت (برهان قاطع) به معنی علم و دانش و عقل، ادب و بزرگی و سنجیدگی است (روح‌الامینی،۱۳۷۳: ۹). پیشرفت علمی هر بومی لازم است با تکیه بر تولید بومی علم همراه با خودباوری و اعتماد بنفس و آمیخته با تلاش بی وقفه باشد.

هر بومی دارای قومی است که توسط فرهنگ آن قوم، کیفیت باورها واندیشه‌های آن سرزمین تشکیل می‌دهد که موجب رشد و نُقص آن محل می‌گردد. لذا فرهنگ و اعتقادات هر قوم موجب استعلا و یا اضمحلال آن سرزمین می‌شود.

هر جامعه‌ای با هر سیستمی که اداره شود و هر نوع ایدئولوژی که بر آن حاکم باشد دارای اهداف و آرمان‌های خاص خود می‌باشد، اگر این اهداف هماهنگ با آرمانهای متعالی و روند تکاملی تاریخ باشد، آن جامعه به سمت استعلا پیش خواهد رفت. وظیفه اصلی فرهنگ، نمایش این ایده‌ها و اعتقادات قلبی و ذهنی و عملی است که به‌وسیله نمود اشکال عینی، در فرآیند این استحاله، معماری هر بومی از فرهنگ آن نقش می‌پذیرد. هر بنایی به‌عنوان جزئی از فرهنگ معماری این وظیفه را دارد که یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود عینیت ببخشد و به این ترتیب نمودی خواهد بود برای سنجش این فرهنگ.

فرهنگ در معماری که نمودار سیستم ارزشی حاکم است تأثیر گذارده و به آن فرم می‌دهد و از سوی دیگر فرهنگ به‌گونه‌ای غیرمستقیم یکی از پایه‌های اصلی زندگانی روانی انسان‌هاست. ادراک انسان از محیطی که دور و بر خودش ساخته است تابع فرهنگ اوست ولی اغلب به این مطلب توجه کافی نمی‌شود (گروتر،۱۳۷۵: ۵۳- ۵٦)

فرهنگ به مثابه هویت هر زمینه‌ای، می‌تواند خاستگاهی برای نوعیت بخشیدن به معماری گردد، نوعی خاص از معماری که گاهگاهی به پشت سر نگاهی می‌اندازد. بنابراین هویت در معماری نه صرف تقلیدی بودن است و نه بدیع بودن. مفهوم هویت در معماری با نیازهای افراد مرتبط است و زمان حال و گذشته را شامل می‌شود. هویت، مفهومی پویا است که در گذر زمان دچار تحول می‌شود و تأثیرپذیری از زمان و مکان و روح زمانه از ضرورت وجودی آن است (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱٦).

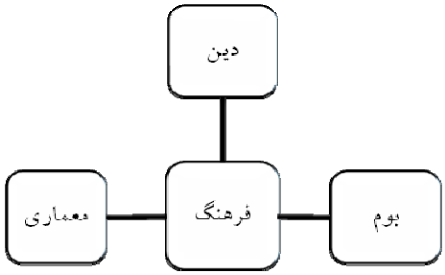

ن ۲. فرهنگ و شاخه‌های آن.

سیاست بومی

سیاست، اولین و مهم‌ترین مغیّر یک جامعه در هر بومی محسوب می‌شود قطعاً سیاست، مغیّر معماری نیز خواهد بود. در مفهوم سیاست مباحث گسترده‌ای مطرح شده ولی در اینجا به اجمال به آن می‌پردازیم: «در زبانهای اروپایی واژه سیاست از کلمه یونانی شهر گرفته شده است و از نظر ارسطو شهر موضوع علم سیاست بود. تصور زندگی مدنی و آزاد در خارج از شهر ناممکن بود و بنابراین کاملاً معقول به نظر می‌رسید که زندگی در شهر موضوع سیاست باشد» (طاهری، ۱۳۷۳: ۹). ابن خلدون عقیده دارد که سیاست یعنی اینکه حاکمی با نیرویی که اجتماع در اختیارش قرار می‌دهد مانع ظلم و تجاوز گردد. البته چنین حاکمی باید بر سایرین غلبه و تسلط و زورمندی داشته باشد. امام راحل (ره) پایه‌گذار اندیشه نوین سیاسی با ارائه تعریف جدیدی از سیاست است که برخاسته از بینش عمیق وی از کتاب و سنت می‌باشد. وی، سیاست را مقید به پرستش و بندگی خدا و تبعیت از رهبری اجتماعی می‌داند و می‌فرماید: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست. صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند، این مختص انبیاء است و تبع آن‌ها علمای بیدار اسلام » (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۸).

در همه این تعاریف، تأثیرگذاری آن‌ها در معماری بومی کاملاً مشهود است، به عبارتی معماری با سیاست عجین بوده و بدون شناخت سیاست و شیوه اداره و قوانین یک کشور، شناخت و ساخت معماری ابتر خواهد بود. سیاست و به عبارتی مدیریت در معماری مدرن، آن را به آرمان‌های مادی هدایت می‌کند و سیاست از دیدگاه دین، مدیریتی است الهی (ولایی) که معماری سنتی و استعلایی را به منصه ظهور می‌رساند. بنابراین سیاست در معماری نیز هدایت جامعه به سمت معماری براساس ارزش‌هاست طوری که تمام صلاح جامعه در نظر گرفته شود. برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژی هر بومی لازم است به ضعف و قوت و همچنین فرصت‌ها و تهدیدات درونی و برونی آن بوم توجهی خاص مبذول گردد:

قوت و ضعف هر بوم

مسلماً هر بومی دارای نقاط قوت و ضعف است به‌طوری‌که نیاز به بررسی و تقویت و استعلای نقاط قوت و رفع و تقلیل نقاط ضعف آن بوم می‌باشد. قوت بوم در رشد استعدادهای آن و خودکفایی مصالح و امکانات طبیعی آن است که به وفور در اختیار اهالی آن بوم قرار دارد. مسلماً در این برهه از پیشرفت تکنولوژی و اجتماعی، استفاده بهینه از امکانات هر بومی، بررسی و درایت خاصی را می‌طلبد که در مدیریت استراتژیک هر بومی لازم است به آن پرداخته شود و ضعف هر بومی نیز عدم توسعه بوم و وابستگی امکانات آن بوم به خارج از بوم است که خود آن‌را می‌تواند داشته باشد و نباید مصداق آن چیزی باشد که در شعر زیبای حافظ آمده است:

سالها دل طلب جام جم از ما میکرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

فرصت‌ها و تهدیدهای هر بوم

بعضی از بوم‌ها احیاناً فرصت‌های طلایی پیدا می‌کنند و به جهت داشتن پدیده‌های طبیعی و مصنوعی که به جذابیت آن بوم می‌افزاید، موجب جذب گردشگری آن می‌گردد. لذا گردشگران نیز به آن منطقه

سرازیر می‌شوند و یا بالعکس یک بوم امکانات بالقوه‌ای که می‌تواند داشته باشد ولی نتواند آن‌را به بالفعل تبدیل کند در حالی که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این امور موجب رونق اقتصادی و اجتماعی آن سرزمین می‌گردد و این عوامل از فرصت‌های آن بوم محسوب می‌شود .

گاهی تهدید عواملی طبیعی (مثل زلزله و سیل و ...) یا اجتماعی (فرهنگی و سیاسی و ...) باعث تخریب و اضمحلال یک سرزمین می‌گردد که لازمه همه اینها یک برنامه‌ریزی مدون و منسجم می‌باشد.

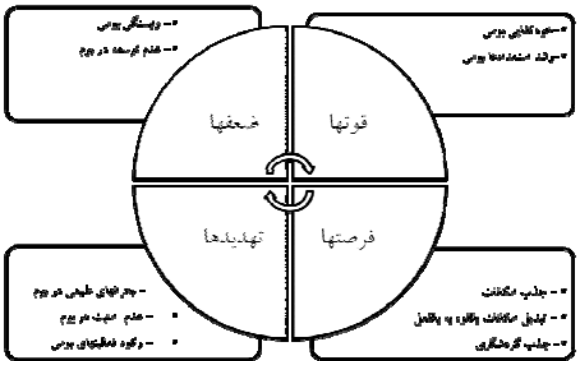

ن ۳. نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید هر بوم.

ترسیم: نویسندگان

اقتصاد بومی

اقتصاد در فرهنگ لغت به معنای میانه‌روی کردن، به اندازه خرج کردن، تعادل دخل و خرج را نگاه داشتن است (عمید ، ۱۳۶۰)

عامل اقتصادی عمدتاً بر چگونگی، تولید و توزیع ثروت، حرکت (گردش کالا)، نحوه تولید، توزیع و مصرف محصولات و رابطه آن با ساخت کالبدی نظر دارد. مقصود از این عامل آنی است که معنای روابط و ارتباطات اقتصادی را دارد (حبیبی، ۱۳۷۵ :٤) و این عامل از عوامل مهم و تأثیرگذار در معماری و زیستگاه‌های هر سرزمین است.

وابستگی اقتصادی هر بومی، عقلاً و شرعاً مذموم قلمداد شده است. علی علیه السلام می‌فرماید: «اِحْتَجْ الی مَنْ شِئْتَ تَکُنْ اَسیرَهُ، اِسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ تَکُنْ نَظیرهُ، أحْسِنْ اِلی مَنْ شِئْتَ تَکُنْ اَمیرَهُ» (محتاج هرکه شوی اسیر او خواهی بود بی‌نیاز از هرکه گردی با او برابر خواهی شد، و هرکه را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی فرمانروای او خواهی شد.)» (مطهری، ۱۳٦۸ : ۲۲-۲۱). غنی شدن سرزمین‌های اسلامی مورد تأکید دین بوده و لذا تا جوامع انسانی، غنی و قدرتمند نشوند نمی‌توانند به همنوعان خود اعانت نمایند و موجب جذب آنان گردند. اقتصاد و امکانات قوی است که معماری قوی را نیز همراه خواهد داشت و بدون اقتصاد توانمند و امکانات مادی ضعیف، معماری و به‌طور کلی زیستگاه‌ها نیز در فضای فقر باقی خواهد ماند. اسلام آنچنان اهمیتی برای توانفزایی مادی و اقتصادی انسان قائل است که پیامبر (ص) فقر را عاملی برای نزدیکی به کفر می‌داند. کادَ الفقرُ اَنْیکونَ کفراً (نصری، ۱۳٦۸ : ٤٥)

اقلیم و معماری بومی

همان طور که گفته شد بوم در پیکره وسیعی از معانی، کلیتی را بیان می‌کند که هم به‌عنوان کل می‌تواند باشد و هم می‌توان از آن به‌عنوان جزئی از معانی نام برد. از این جزئیات می‌توان به دسته بندی مناطق بر مبنای اقلیم اشاره نمود که از مهم‌ترین مسائل دسته بندی معماری نیز محسوب می‌شود. اقلیم‌های متنوع تأثیر متقابل در کیفیت معماری آن منطقه دارد . معماری به زبان بومی مهارت‌های طراحی را که ریشه در دانش بومی دارند برای بسط معماری مردمی به‌کار می‌گیرد (مهدوی پور و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۲). مثلاً در شمال سلسله جبال البرز با توجه به اقلیم و تحت تأثیر آب و هوای آن منطقه معماری خاص خود را دارد، همچنین در جنوب و حاشیه خلیج فارس با توجه به آب و هوای آنجا شکل دیگری از

معماری را شاهد هستیم و در شرق ایران در منطقه کویر لوت و نمک به نوعی دیگر و در غرب سلسله جبال زاگرس شیوه معماری به شکلی دیگر تجلی پیدا کرده است تا حدی که معماری منطقه معتدل و مرطوب را نمی‌توان در منطقه گرم و خشک مورد استفاده قرار داد.

روستا و شهرسازی بومی

روستا و شهرسازی بومی با توجه به دانش و بینش و فرهنگ بومی شکل می‌گیرد، همانند شکل‌گیری روستاهایی که با مصالح و تکنولوژی و فرهنگ بومی به‌وجود آمده است. با نیم نگاهی به وضعیت روستاهای ایران به جرأت می‌توان گفت که بوم‌آورترین معماری در سرزمین ایران، مربوط به روستاهاست. چون با توجه به غنای طبیعت هر بوم از نظر مواد و مصالح و همچنین توان اقتصادی و اتکای به امکانات آن منطقه، زیستگاههای روستایی خودکفاتر هستند. بنابراین با توجه به اینکه اتکای به امکانات مادی و معنوی هر بوم است که به هر زیستگاهی، رنگ و بوی آیین و رسوم و فرهنگ آن سرزمین را داده، براین اساس است که روستاها و شهرها به‌صورت متنوع تجلی نموده است. اما بوم ها و زیستگاهها چه ارتباطی با ارزشها و اعتقادات وبه عبارتی با جهان بینی اسلامی دارد ؟

قلمرو جهانی مدرنیته در سیطره بوم

نظریه جهانی شدن از سرآغاز حیات انسانی در ادیان الهی مطرح بوده که در آخرین دین الهی (حضرت خاتم) به وضوح به آن تأکید شده است. این نظر بعد از دوره رنسانس در مکتب‌های اومانیستی و مادی مطرح شده و به مکتب‌های معماری نیز سرایت کرده است. اوج این نظر را در تئوری‌های معماری مدرن می‌توان مشاهده کرد.

جنگ اول جهانی در حکم یک خط مستقیم برای معماری اروپا بود و سیر اندیشه‌های معماری در معماران آمریکایی و اروپایی، حتی تا سال‌های پس از جنگ دوم جهانی، به شیوه‌ای ادعا می‌شد که می‌توان عنوان سبک بین‌المللی بر آن نهاد، زیرا اینان از لحاظ توافق بر سر اصول بنیادی، از جمله بریدن از گذشته ، سخت به یکدیگر نزدیک بودند (گاردنر، ۱۳۷۰: ٦٤٩). در اصول مدرنیزم، بعد از دین پیرایی و جدایی علم از دین، علم مداری براساس خردگرایی و تجربه پذیری محور نظریه‌های علمی قرار می‌گیرد و این اصول بدون توجه به فرهنگ هر منطقه و سرزمینی به‌صورت بین‌المللی و جهانی اعلام می‌گردد. در مقطعی از معماری مدرن به مظروف معماری توجه مفرط شد و اکتفا به بخشی از زندگی انسان، یعنی کارکردهای مادی و جسمانی، نهضت مدرن را از پدید آوردن فضاهای درخور زندگی کامل انسانی یعنی فضاهای زنده و سعادت بخش، ناتوان ساخت (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

با توجه به نقد مبنایی این تئوری‌ها و حاکمیت کثرت و کثرت‌گرایی در این اندیشه، داعیه جهانی شدن این مکتب‌ها امری ممتنع می‌نماید. استفاده از اندیشه مدرن به بهانه نوگرایی صورت گرفت. در صورتی که نوگرایی به معنای نفی مطلق تاریخی و هویت تاریخی و فرهنگ و سنن و آداب جامعه نخواهد بود، بلکه نوگرایی عبارت از یافتن پاسخ مناسب زمان و مکان به ارزش‌های فرهنگی و بهره‌گیری از آراء و تجارب پیشینیان و تکامل بخشیدن آن‌ها خواهد بود. (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۸۹). دین اسلام به‌عنوان مکتبی فرانگر به مسائل بنیادی نظری دیگر دارد در ادامه با این سؤال که اسلام و سنت چیست و دامنه نظر آن‌ها در خصوص بوم چگونه است ؟ مطلب را پی می گیریم.

چیستی اسلام

لغت «اسلام» به معنی تسلیم است، (مطهری، بی تا : ۷۵) تسلیم در برابر قوانین و اوامر و نواهی الهی.

سنخیّت قوانین و احکام فقهی، کلی بوده و ساری و جاری در همه امور می‌باشد. از آنجا که اسلام و احکام منّور آن در جایگاه حکومت بر زمان و مکان و دارای قوانین "توسعه تاریخ" می باشد و همه موضوعات اجتماعی و تخصصی در مقطع و روند تاریخ را در بر می‌گیرد لذا استراتژی توسعه معماری و شهرسازی نیز ضرورتاً منتسب به مبانی متقن دینی می‌گردد.

معماری اسلامی، مانند هر معماری سنتی دیگر، به جهان‌شناسی و بوم شناسی مرتبط است. انسان سنتی در جهانی زندگی‌می‌کند که هدفدار و سرشار از معنی است. جهان همچون انسان، مَظهر و مُظهر قانون خداوندی است، پس میان آن دوخویشاوندی و پیوند خاصی وجود دارد. انسان (عالم صغیر) است و همچون جهان (عالم کبیر) آئینه حقیقی ماورایی است. وجوه تطابق و تشابهی که در بسیاری از متون اسلامی میان انسان و جهان دیده می‌شود نه تنها توصیفات "شاعرانه" وخام نیست، بلکه حاکی از حقیقتی ژرف است و رشته‌هایی را باز می‌نمایاند که سطوح حیات بشری را با مراتب مشابه‌آن در عالم هستی پیوند می‌دهد (نصر،۱۳۷۰: ٦٠). حاکمیت قانون خدا، یعنی حاکمیت همهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌ها و نهی همهٔ بدی‌ها و زشتی‌ها، در نتیجه موجب عروج و صعود جامعهٔ انسانی به سعادت و تعالی و توسعه است. حاکمیت قانون، به معنی یک نواختی نیست بلکه یک قانونی می تواند هزاران مصداق مختلف و متنوع داشته باشد. لذا تمدن‌های متنوع هر بومی می‌تواند تحت لوای قانون واحدی نیز صورت بگیرد .

قلمرو جهانی اسلام در گستره بوم

ادعای جهانی شدن و جهانی‌سازی یک مسئله استراتژیک جهان‌بینی اسلامی است. اسلام به‌عنوان کاملترین و آخرین دین الهی در هزار و چهارصد سال پیش به وضوح این مسئله را، در کتاب و عترت بیان نموده است و مفسرین اسلامی، تفاسیر مبسوطی را در این خصوص به رشته تحریر درآورده‌اند. با توجه به محدودیت این نوشتار به بعضی از این آیات اشاره می‌شود:

وَ نُریدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَی الَّذین اسْتُضعِفُوا فی الاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُم اَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثین (قصص:۵) - (و می‌خواهیم منت نهیم بر آنان که ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیمشان پیشوایانی و بگردانیمشان ارث برندگان).

حضرت امام در خصوص اهداف بین‌المللی اسلامی می‌فرمایند: «ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌المللی اسلامی است.» (خمینی (ره) ۱۳٦۷/٤/۲۹) و این واقعیت جهانی است که به حقیقت گره خورده است و فلسفه تاریخ انسان‌ها را از مبدأ تا معاد ترسیم نموده است و سرنوشت معماری و بطور کلی زیستگاه ها جدا از این واقعیت نمی‌باشد.

با توجه به معانی و مفاهیم آیات و روایات، فراگیر بودن احکام اسلامی در گستره جهانی و همه سرزمین‌ها مطرح است. این مسئله مسلم است‌که ملیّت و قومیّت به معنایی‌که امروز میان مردم مصطلح است از دیدگاه اسلام هیچ اعتباری ندارد، بلکه این دین به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می‌کند. این امر مسلم است که اسلام ازآغاز ظهور خویش «داعیه جهانی» داشته است و در نگرش اسلامی، مقیاس‌ها جهانی (کلی و عمومی وانسانی) است نه ملی و قومی و نژادی (مطهری،۱۳۵۹: ٤۹). بنابراین داعیهٔ جهانی شدن قوانین اسلام، موضوع را حساستر می‌کند. این از آن نوع قوانینی است که همه بوم‌ها و زیستگاه‌ها را پوشش می‌دهد و مسلماً حاکمیت قوانین ارزشی با تنوع بوم‌ها در ظهور زیست بوم ها هماهنگی کامل دارد .

تعامل اسلام با عوامل بوم و جامعه

بوم را به قریه نیز معنی کرده‌اند و قَریه یعنی: ۱. ده، دهکده ۲. شهر. جمع آن : قُری (فرهنگ معین). دیه. دهکده. شهر. هر جائی که مسکن و ماوای مردمان باشد و دارای بناهای چندی بوده متصل و پیوسته به هم (لغت نامه دهخدا).

در جهان بینی دینی، ایمان و عمل جامعه در راستای ایمان، موجب رشد و توسعه و نزول انوار قدسیه می‌باشد و هر شهر و روستایی اگر در جهت تقرّب و تعالی حرکت کند مشمول این توسعه خواهد بود.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ (اعراف،۹۶) (و اگر مردم قریه‌ها و شهرها و روستاها و هر بوم و سرزمینی ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند مسلماً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولکن (آیات ما را) تکذیب کردند، پس آن‌ها را به سزای آنچه کسب می‌کردند دچار ساختیم).

معماری و شهرسازی و زیستگاه‌ها با اسلام، تعامل مبنایی دارد و در این آیه به‌عنوان مغیر اصلی هر بومی محسوب می‌شود. معماری و شهرسازی در جهان بینی دینی، از دل اسلام زائیده و خلق می‌شود و اگر اسلام را دین حاکم بر کل عرصه تاریخ بدانیم و به عبارتی اگر دین خاتم، ولایتی تاریخی بر جوامع و تمدن‌ها دارد، معماری و شهرسازی هیچگاه جدای از مکتب ارزشی نبوده است و این رابطه، رابطه فاعلیتی است یعنی مکتب عامل تأثیر گذارنده در تمدن و معماری داشته است. پیامبران الهی برای هدایت و راهنمایی بشر نازل شده‌اند و همه علوم مدیون پیامبران الهی است (ندیمی ، ۱۳۷۵: ۲۱-۶).

تعامل بوم و دین، نیاز به یک روش و سیستم منسجمی دارد که بتواند رابطه ارزش‌ها و معماری هر بومی را تبیین بکند. براین اساس نگرش سیستمی و مجموعه‌ای به اسلام و انسان و معماری فضای زیست موجب می‌شود که ما گسستگی بین آن‌ها را ملغی بدانیم.گسستگی، حاصل نگاه انتزاعی به انسان است ولی در نگرش سیستمی که همه ابعاد وجودی او به هم پیوسته دیده می‌شود. اسلام و انسان و فضای زیست به صورت هماهنگ مورد مداقه قرار می‌گیرد. در نگرش سیستمی نمی‌شود دو مدیریت متفاوت با دو مبنا بر رشد و تکامل و توسعه انسان و جامعه حاکم باشد اگر هماهنگی بین اینها بر عهده ارزش‌ها باشد، تکامل اجتاعی انسان تحت هدایت ارزشها قرار می‌گیرد.

رهبری تاریخی اختیارات انسان و هماهنگ‌سازی اختیارات تاریخی بشر بر عهده رهبران تاریخی است یعنی نقشه راه انبیاء الهی متکفل هدایت جامعه به سمت تعالی است، لذا قول و فعل و تقریر آنان حجت برای همه جوامع است. حاکمیت حکومت، شأن اساسی هماهنگ سازی اختیارات انسان‌ها و فضای زیست بوم‌ها و مدیریت بر اراده‌ها در جهت تکامل و تعالی است. جریان این رهبری تابع نحوه اراده‌ها در برابر ربوبیت الهی است. اگر اراده‌ها موضع‌گیریشان عصیان باشد قطعاً ولایت طاغوت بستر هدایت اجتماعی می‌شود ولی اگر اختیارات انسانها تسلیم احکام ارزشی باشد قطعاً رسالت خلیفهٔ الهی محقق خواهد شد (میرباقری، ۱۳۷۹ : ۱۰ – ۱۵).

با توجه به اینکه معماری هر بومی تجلی‌گاه اجتماعی آن بوم است و نیز یک مجموعه بهم پیوسته می‌باشد، لذا اجزای آن باید باهم هماهنگ باشند. در دید سیستمی، معماری بومی تابع یک وجدان اجتماعی خاص است و ضرورت خاص پیدا می‌شود. مجموعه وجودی انسان با فضای زیست او یک مجموعه واحدی است که این مجموعه واحد و هماهنگ بوده و در حال حرکت و

تکامل است. انسان در زندگی بومی و اجتماعی خودش هدفی دارد، هدف از این تلاش فضای زیستی با نیل به تکامل و تقرب متعالی است یا نیل به هدف مادی صِرف. نیّت صِرف برای رسیدن به هدف متعالی کافی نیست، بلکه باید صورت و آداب و مناسک وقوع فعل باید هماهنگ با نیّت باشد. این هماهنگی جز در سایه ارزش‌ها به معنای اعم تبیین نمی‌شود.

معماری در هر بومی، تجلی و اثر فعل جوامع آن بوم است و لذا یک مجموعه مرکب و پویاست، این مجموعه دارای اوصاف درونی و بیرونی است که شامل مبنا، موضوع (ساختار) و مقیاس می‌باشد که مبنا، مغیر اصلی موضوع به شمار می‌رود. مبنای مادی، خصال معماری را نیز مادی می‌کند و مبنای ارزشی، رنگ و صبغه ارزشی به معماری می‌دهد. بنابراین معماری به‌عنوان یک موضوع متغیر، دارای اوصافی است که با تغییر اوصاف آن، معماری نیز تغییر پیدا می‌کند. «بدون تغییرات صحیح بنیادی و تحول فرهنگی و علمی، امکان تحول فکری نیست» (امام راحل) اگر بخواهیم شاهد تغییرات بنیادین در محصولات یک نظام علمی، فرهنگی بومی باشیم چاره‌ای نداریم جز ایجاد تغییر اساسی در ماشین آن علم یا فرهنگ که چیزی جز همان تغییر روش‌ها نمی‌باشد. احیای حیات و استعلای معماری بومی نیازمند کشف چنین روشی است.

چیستی سنت

سُنَّت: راه و روش، طریقه، قانون، روش، آیین، رسم، نهاد، جمع سنن؛ فرموده رسول (ص) و فعل او به‌طریق جواز، ضد بدعت. سنت سه گونه است: قول، فعل و اقرار. قول، هرچه از گفته پیامبر صلوات الله علیه نقل قول شده است. فعل، آنچه از کردار آن حضرت روایت شده است. اقرار، آنچه نقل شده که اعمالی را قوم کرده اند و رسول صلوات الله علیه بر آنان نگرفته و انکار نفرموده است.

– دستور. قانون گذاری. سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِیلًا (فتح: ۲۳) (این سنّت الهی است که در گذشته نیز بوده است و هرگز برای سنّت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت)

– خوی. طبیعت. عادت. سیرت. نهاد (لغت نامه دهخدا)

سنت در اصطلاح جامعه‌شناختی، به معنای مجموعه اندیشه‌ها، عادات، و آداب و رسومی است که به یک ملت تعلق دارد و به‌عنوان میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌یابد (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۲٤۹).

سنت با مفاهیمی همچون کهنگی، قدمت، امر منسوخ از نظر علمی، مندرس بودن و امثالهم و واژه تجدد با مفاهیمی که نو بودن، تازگی، علمی بودن و روزآمد بودن را القا می‌نمایند اشتباه شده و خواننده را به اشتباه می‌اندازد. اختلاف نظر متفکران در تعریف سنت ناشی از تمایزات جهان‌بینی آن‌هاست. سنت آداب و رسوم قدیم نیست بلکه سنت به معنای آنچه از آسمان و از جانب خداوند به انسان رسیده است و در واقع مترادف با دین به معنای وسیع آن می‌باشد (نقی زاده، ۱۳۸۲: ۱٦۹).

در فرهنگ دهخدا در معنی واژه سنت آمده است که: راه و روش، طریقه و قانون و روش، آیین و رسم و نهاد، احکام و امر و نهی خدای تعالی، فرض و فریضه، واجب و لازم، احکام دین و ارزشهاست. در فرهنگ معین در تعریف این کلمه آمده: راه، روش، سیرت، طریقه، عادت، گفتار و کردار و تقریر معصوم (پیغمبر و امامان) (صادق پی، ۱۳۸۹: ٤۸) با این مفهوم اسلام و سنت در اینجا انطباق پیدا می‌کنند.

در هنر سنتی، هنر، فن، علم و حکمت به هم آمیخته شده است و میان اینها جدایی وجود ندارد برخلاف هنر جدید که راه صنعت و صناعت از هنر و راه هر دو از علم و راه هر سه از حکمت، خاصه حکمت الهی جدا شده است، یکی از مشخصات هنر سنتی، تلفیق و وحدت بخشیدن به این عناصر است که وحدت تجزیه ناپذیری را تشکیل می‌دهد که هنر با صنعت، هنر و صنعت با علم، هنر و صنعت و علم با حکمت الهی عجین است، در صورتی که در هنر مدرن هنر از صنعت جدا شده است، صنعت ماشینی شده و هنر به یک حوزه خیلی خاصی که بیشتر جنبه تجملی دارد محدود گردیده و شامل تمام زندگی انسان نمی‌شود. فرهنگ در طول تاریخ و عرض جغرافیای زمین منتقل می‌گردد. گسترش فرهنگ را در بعد مکان انتشار می‌گویند و نفوذ و گسترش آن در طول زمان سنت نام دارد (صادق پی،۱۳۸۹ : ۱۰-۷). از ویژگیهای معماری سنتی وابسته به خاک و سرزمین، نمایش توانایی‌های زمین در پاسخگویی به نیازمندی‌های انسان است که بسته به شرایط و بضاعت معمار صور مختلفی را به خود می‌گیرد. مهم‌ترین اصطلاحاتی که در تعریف این معماری گفته می‌شود عبارت است از: معماری تاریخی، معماری قدیمی، معماری اصیل، معماری باهویت، معماری خودی، معماری بامعنی، معماری بومی و معماری محلی. معماری تاریخی به معماری ساخته شده در یک دورهٔ زمانی خاص ربط پیدا می‌کند و گوینده با بیان این اصطلاح، نوعی بار زمانی در نظر دارد.

جمع بندی

بنابراین با توجه به تمامی مباحث مطرح شده در این پژوهش می‌توان در یک جمع بندی سنت و بوم را در رسیدن به معماری چنین بیان نمود :

سنت؛ بوم و معماری

با توجه به معنای سنّت که همان راه و شیوه صحیح و احکام ارزشی برای حصول به نتایج کامل و دقیق در عرصه‌های گوناگون می‌باشد اگر این راه و طریق به زمینه‌ای غنی تزریق گردد آنچه می‌ماند معماری بومی خواهد بود. در یک جمع بندی کوتاه، می‌توان گفت که معماری سنتی به سه عامل زیر بستگی دارد:

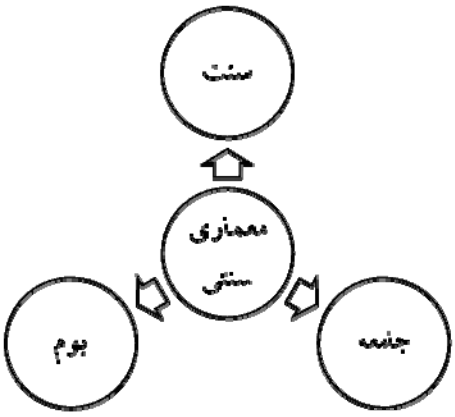

ن ٤. معماری سنتی و شاخصه‌های آن. ترسیم: نویسندگان

درک انسان از این سه عامل، ثابت نیست و در حال تکامل می‌باشد و آن بنایی که امروز براساس ارزشهای سنتی و با هویتی ارزشی بنا شده و در عین حال نوآوری دارد، مسلماً در چند قرن آینده، از بناهای ماندگار و سنتی محسوب خواهد شود.

سنّت، اندیشه هدایت کننده و حاکم بر جامعه متعارف است، در حقیقت فنون و هنرها یکی از مهم‌ترین و بلافصل‌ترین عرصه‌های ظهور و تجلی سنّت است، توحید بنیادی ترین اصول سنت اسلامی است. با توجه به ویژگیهای سنّت، می‌توان نتیجه گرفت که معماری سنتی عبارت است از آن گونه معماری که اولاً بار فرهنگی خاصی داشته باشد و ثانیاً در طول زمان دست به دست شده و از نسلی به نسل دیگر رسیده باشد (صادق پی،

۱۳۸۹: ۱۱). در تفکر و جهان بینی اسلامی، توجه به جنبهٔ معنایی و باطنی پدیده‌های عالم، حایز اهمیت است، چراکه به نظر می‌رسد جهان بینی اسلامی و نوع نگرش به جهان هستی در سایهٔ فرهنگ اسلامی، در خلق آثار معماری مسلمین نقش به‌سزایی داشته و معانی منبعث از مبانی جهان بینی اسلامی در خلق معماری تجلی پیدا می‌کند.

اصول جهان بینی اسلامی، منبع مهمی برای معماران معناگرای مسلمان برای اقتباس معانی و مفاهیم متجلی در کالبد معماری است. مفاهیمی چون توحید، وحدت در عین کثرت، تجلی پروردگار در عالم خلقت و حرکت دایم در جهان مادی نمونه ای از مواردی هستند که در خلق معماری مؤثر هستند (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹: ٤٧-٤٠). معماری سنتی یک معماری مطابق با فطرت الهی انسان از یک طرف و طبیعت پیرامونی او از طرف دیگر بوده است، فطرت معنای طبیعت هم دارد، لذا معماری سرزمینی طبیعتاً با شرایط بومی آن هماهنگ می‌باشد. می‌توان معماری بومی را هموار کردن طبیعت برای پاسخگویی به نیازهای مکانی دانست که با انتخاب و استفاده مقدورات هر سرزمین پدید آمده است (مهدوی پور و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۲). در بوم شناسی انسانی هرگز نمی‌توان تاریخ را نادیده گرفت زیرا در این جا سر و کار ما با مطالعه فرایندها است، لذا می‌توان گفت که یک مطالعه اجتماعی فراگیر، یک مطالعه بوم شناختی نیست مگر آن که با بررسی سرچشمه ها، توالی و به عبارت دیگر به بررسی فرایند بپردازد. (وهابزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۲)

بوم ؛ سنت و معماری

اهمیت نقش معنا در شکل‌گیری فضا و کالبد معماری منجر به رویکردی در طراحی معماری می‌شود که معناگرایی نامیده می‌شود. از منظر معناگرایان، معماری، مانند سایر هنرها، فنون و تولیدهای بشر، علاوه بر کالبد ظاهری خویش واجد جنبه‌ای اصیل و حقیقی و معنوی نیز هست که در پاسخ به نیازهای معنوی و مادی (هماهنگ با جنبه‌های روحانی حیات وی) طراحی و ساخته شده است. به این ترتیب که بنا واجد کالبدی است و روح آن تجلی روح فرهنگ و جهان بینی جامعه است. کلمه معماری در تفکر ایرانی همواره مبتنی بر ارتباط انسان و ماوراءالطبیعه بوده است (بمانیان و عظیمی، ۱۳۸۹: ٤١).

با توجه به تعاریفی که از بوم ارائه شد می‌توان اذعان نمود که هرگاه در یک زمینه مشخص با رعایت تمامی ابعاد وجودی آن، وجودی که به انسان، تاریخ، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد قائل هستند، نگرش هایی در پدیده ها و تولیدات اجتماعی ظهور می‌یابد که مسکن و طراحی آن نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در این تعامل نه تنها فرم، عملکرد، زیبایی و ظاهر ساختمان، بلکه نحوه نگرش به کارفرما و سهم وی درفرآیند طراحی، جایگاه‌های متفاوتی می‌یابد (علی الحسابی، ۱۳۸۹: ۳۲).

مراد از معماری سنتی ایرانی با عنایت به معنا عبارت است از اصول و روش‌هایی که اولاً ریشه در اعتقادات و باورهای معنوی ایرانیان داشته و ثانیاً بدون انقطاع تاریخی در اثر ممارست و حقیقت جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن ها بر پایه جهان بینی اسلامی- ایرانی و در بستر فرهنگ و با پویایی و تصفیه و تکامل دائمی هدایتگر باشد (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۸۰). طراحی سنتی(بودن فردی بنام معمار در کنار مالک) این فرد در عین داشتن پایگاه حرفه‌ای مستقل، چون دارای پیشینه اجتماعی و ارزشی هم سنخ با مردم بود، مردم را به خوبی خودشان می‌شناخت و از سویی مردم نیز خود هدایت موضوع طراحی را در دست داشته و نقش معمار، ابزار گونه و همفکری یا سامان دهنده تفکرات و نظریات کارفرما بود و طراحی در ارتباط

تنگاتنگ با مالک صورت می‌پذیرفت. در طراحی مشارکتی دیدگاهی که مردم را یک طرف و معمار را طرف دیگر قرار نداده، بلکه طراح هم در زمره مردم قرار دارد و حالتی بهینه یعنی"طراحی با مردم" صورت می‌پذیرد. در این‌صورت رابطه مشارکتی پدیدار گشته و شیوه‌ای مشابه طراحی خانه‌های سنتی به‌وجود می‌آید که:

- برنامه‌ریزی مجموعه‌ای ازاهداف متقابل است؛
- اطلاعات بین طرفین رد و بدل می‌گردد؛
- مقاصد و مبنای نظری اثباتی و عقیدتی طراح برای مالک روشن است؛
- طراح، توجه کار فرما را به کاربرد اهداف طراحی جلب کرده و از نظرات وی در تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌کند؛
- تصمیمات براساس توافق اخذ می‌گردد (همان، ۸۹: ۳٤ –۳۵).

تحلیل معماری ایرانی نشان می‌دهد که به رغم کثرت و تنوع و پیچیدگی بناها، اصول و مفاهیم و الگوهایی در طول زمان به گونه‌های مختلف در این معماری به‌کار گرفته شده‌اند، تکامل معماری ایران بیشتر بر تعالی اصولی و مفاهیم و الگوهای جدید در جریان نوعی فعالیت هوشمندانه و ماهرانه معماری استوار بوده است (رحمانی، ۱۳۸۹: ۹۰).

بنابراین معماری سنتی قبل از پیدایش تکنولوژی و مصالح جدید، به هر شکل و به هر کیفیت، نوعی معماری با هویت به‌شمار می‌رفت که در طی سالیان دراز و قرن‌های متمادی مصالح و شیوه‌های فنی ویژه خود را داشت. این نوع ساخت و ساز بومی به موقع و کاملاً ارزنده و منطقی و گاه نیز بس شکوهمند بود و هنوز هم به‌عنوان یک معماری ارزشمند و برخوردار از مقیاس انسانی دارای همان ارزش و اعتبار است.

با این دید که معماری بومی در کنار سنت و با دخالت معماران که خود جزئی از آن جامعه هستند نوعی از معماری را یادآور می شود که معماری سنتی نام دارد.

نتیجه

معماری بومی روش طراحی عمومیت یافته‌ای است که از معماری مردمی زاییده شده است و می‌توان آن را شکل پیشرفته معماری طبیعی یک خطه معین به حساب آورد که در ارتباط با فرهنگ، آب و هوا و مصالح ساختمانی بیان می‌گردد. مختصات جغرافیایی و اجتماعی هر بوم از عوامل اصلی شکل‌گیری معماری یک زیستگاه است. بدون در نظر گرفتن نقش اساسی بوم، هر گونه نظریه پردازی در خصوص طراحی و ساماندهی هر بومی با چالشی عمیق و غیر قابل حل روبه‌رو خواهد بود. مدیریت هر بومی در راستای تعالی و تقرب، موجب توسعه و رشد امکانات کمی و کیفی – مادی و معنوی آن بوم خواهد بود.

با توجه به مسائل بیان شده در مطالب بالا می‌توان دریافت که بوم نه تنها در زمینه معماری بلکه در زمینه تک تک مباحث بنیادی جامعه اعم از علم، فرهنگ، اقتصاد و سیاست می‌تواند پیش نیاز باشد. به‌کارگیری فنون علمی با توجه به قابلیت سنجی از مورد زمینه می‌تواند نمونه‌ای خاص از هنجارها را متناسب با کارکرد مبنایی به‌وجود آورد. در خصوص معماری با در نظرگیری سرزمین (بوم)، در زمانی که خواستگاه‌های استفاده‌کنندگان اعم از فرهنگ و خُلق و خوها را هم تراز نماید و همین طور بر عکس با نگاه به این که در هر زمان نگاه به گذشته سنتی را القا می‌نماید و این که امروز نیز گذشته‌ای از فردا خواهد بود و در سرزمین الگو خواهد شد تلفیقی به‌وجود می‌آید که معماری با هویت گویند. در نتیجه بوم از سنت زاییده می‌شود و سنت از

بوم، هر زمان در کنار هم عمل می‌کنند تنها ظهور یکی سریع تر از دیگری است در این صورت است که معماری بومی و سنتی خوانده می‌شوند.

بررسی ساز و کارهای مربوط به معماری در حوزه‌های بومی و سنتی در تلفیق با یکدیگر یک اصالت و ویژگی خاص در راستای هویت بخشی به فرهنگ هر سرزمین است. باشد که با شناخت واژه شناسی بوم و سنت و کارکرد آن ها در معماری شاهد غنابخشیدن به معماری با هویت این سرزمین باشیم.

منابع

- قرآن کریم.
- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو. (۱۳۸۳) ، فرهنگ علوم سیاسی، چاپار، چاپ اوّل ، تهران.
- بمانیان ، محمدرضا ؛ عظیمی، فاطمه. (۱۳۸۹)، انعکاس معانی منبعث از جهان بینی اسلامی در طراحی معماری، نشریه مطالعات شهر ایرانی – اسلامی، شماره ۲.
- پیرنیا ، محمد کریم.(۱۳۸۰) ، سبک شناسی معماری ایرانی ، تدوین دکتر غلامحسین معماریان ، پژوهنده- معمار ، تهران.
- حبیبی، محسن. (۱۳۷۵) ، از شار تا شهر ، تهران ، دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۲)، بی‌ارزشی ارزش‌ها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ١٤ .
- خمینی (ره)، روح الله . (١٣٦٧)، صحیفه نور- ج ٢١- ١٣٦٧/٤/٢٩).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا ، دانشگاه تهران ، تهران.
- رحمانی، محبوبه. (۱۳۸۹) ، مکان و مفهوم آن در معماری سنتی و هویت مکان در معماری امروز، ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان، شماره ۷۱.
- روح‌الامینی، محمود، (۱۳۷۳)، زمینه فرهنگ شناسی ، انتشارات دانشگاه پیام نور ، تهران .
- صادقی پی، ناهید، (۱۳۸۸)، تأملی در معماری سنتی، نشریه صفّه، شماره ٤٨.
- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۷۳)، اصول علم سیاست، انتشارات پیام نور ، تهران.
- علی الحسابی، مهران؛ یوسف زمانی، مهرداد. (۱۳۸۹)، فرآیند طراحی معماری، تعامل میان طراح وبهره بردار (مدل یابی مشارکت درطراحی مسکن‌های شخصی ساز)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ٤٣.
- عمید حسن. (١٣٦٠)، فرهنگ فارسی عمید دو جلدی، امیرکبیر ، تهران.
- گاردنر ، هلن. (۱۳۷۰)، هنر در گذر زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، آگاه، چاپ دوم، تهران.
- گروتر، بورگ. (۱۳۷۵)، زیباشناختی در معماری، ترجمه جهانشاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹)، خدمات متقابل اسلام و ایران جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی ، تهران.
- مطهری، مرتضی. (بی تا)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی ، صدرا، قم.
- مطهری، مرتضی. (١٣٦٨)، نظری به نظام اقتصادی اسلام ، صدرا ، قم.
- معین ، محمد. (١٣٨٦)، فرهنگ معین ، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- مهدوی نژاد، م. بمانیان، م. خاکسار، ن. (۱۳۸۹)، هویت معماری؛ تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن، نشریه هویت شهر، شماره ۷.
- مهدوی پور، حسین و جعفری، عاطفه. (۱۳۹۱)، جایگاه دانش و صناعت بومی در آموزش معماری امروز، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷.
- ندیمی، هادی. (۱۳۷۵)، «آئین جوانمردان و طریقت معماران»، فصلنامه علمی پژوهشی صفّه، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- نصر، حسین. (۱۳۷۰)، سنت اسلامی در معماری اسلامی، ترجمه سیدمحمد آوینی (از کتاب جاودانگی هنر ، تهران ، برگ).

- نصری، عبداللّه. (۱۳٦۸) ، انسان از دیدگاه اسلام ، انتشارات پیام نور، تهران.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۲)، قرابت فضاهای سنتی با طبیعت انسان، نامه فرهنگ، شماره ۵۰.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۷۹)، رابطه هویت"سنت معماری ایران" با مدرنیسم و نوگرایی، هنرهای زیبا، شماره ۷.
- وهابزاده، عبدالحسین. (۱۳۸۱)،" بوم شناسی، علم عصیانگر"، نشر چشمه، تهران.
- هراتی، محمد مهدی. (۱۳۸۱)، کتاب ماه هنر، تهران.
- یو، هان. (۱۳۸۲)، الگوی بوم شناختی در معماری، ترجمه لیلا حکیمی زاده، ناهید سر افراز ، نشریه معماری ایران، شماره ١٤ ، نمایه کتابخانه آستان قدس رضوی.